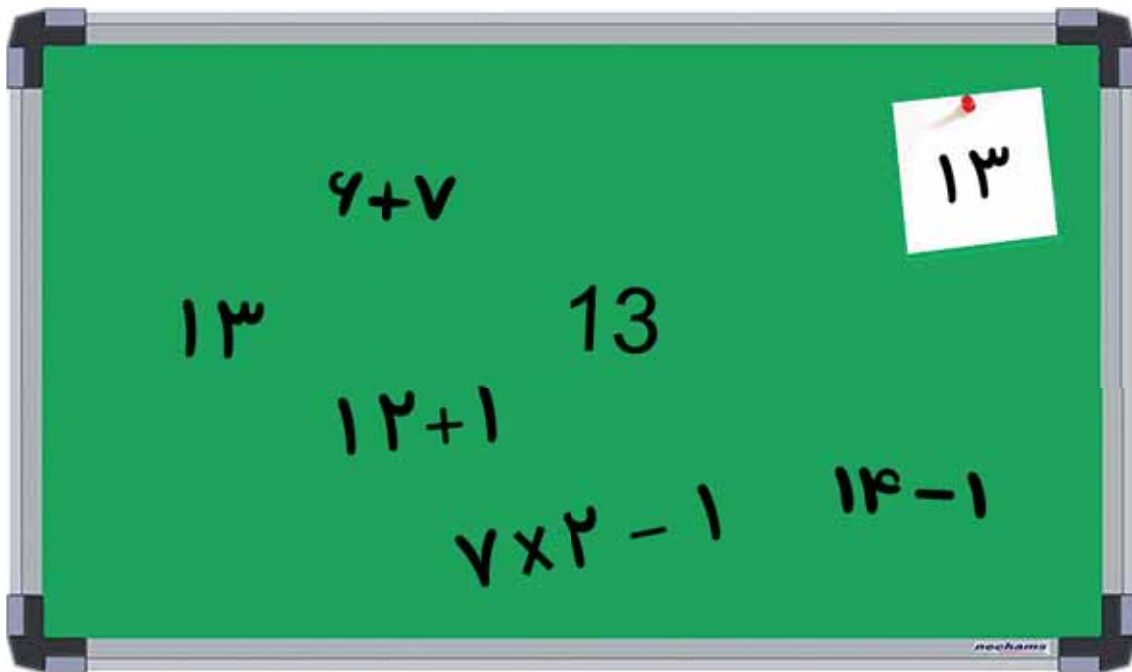


# حس خوب فهمیدن



جلسه دوم کلاس ریاضی بود. از بچه‌ها خواستم تکالیفشان را بگذارند روی میز. جلسه اول سعی شد بنای ارتباطی سالم و مؤثر، و احترام تام و تمام با دانش‌آموزانم گذاشته شود و تمرینی از روش‌های گفت‌وگویی را با آن‌ها انجام دهم. سعی کردم آن‌ها را به اسم کوچکشان صدا بزنم. در پایان جلسه، مقداری تکلیف یادگیری هم مشخص کردم. به طرف دانش‌آموزان حرکت و شروع کردم به نگاه کردن به دفترهایشان. با توجه به جو جلسه اول، انتظار توجه بیشتر دانش‌آموزان به انجام تکالیفشان را داشتم. اما متأسفانه مثل همیشه یک گروه تکالیفشان را ننوشته بودند. از آن‌ها خواستم از جایشان بلند شوند و بیایند کنار تخته.

یکی، دوتا.. جمعشان اضافه شد. برگشتم و رویم را به طرف تخته کلاس کردم. تعدادشان زیاد به نظر می‌رسید. از یکی از آن‌ها خواستم تعداد خودشان را بشمارند؛ ۱۳ نفر. تعدادشان زیاد بود؛ صحنه‌ای ناخوشایند و چالش‌برانگیز.

تغییرات و تحولاتی که در طول پنجاه سال اخیر تحت عنوان رویکردهای تأملی - انتقادی، یا رویکردهای بدیل در دنیای آموزش رخ داده، امکانات گسترده‌ای را در اختیار معلمان و خانواده‌ها قرار داده است تا بتوانند با تکیه بر آن، نوعی یادگیری اصیل، تغییرات پایدار در دانش، مهارت و نگرش دانش‌آموزان ایجاد کنند. یکی از این امکانات، گفت‌وگو و استفاده از قدرت گفت‌وشنود در آموزش است. از طریق گفت‌وگو در کلاس درس می‌توان تأثیراتی فراتر از برنامه درسی و کلاس درس روی دانش‌آموزان گذاشت. گفت‌وگو در محیط‌های آموزشی موجب پرورش رفتار و منش شخصیتی همچون دانایی، خویشتن‌داری، توانایی برقراری ارتباط، شکیبایی، پرسشگری، گوش دادن و رواداری در افراد می‌شود (نیستانی، سال ۱۳۹۴)

روایتی که در پی می‌آید موقعیتی است که نشان می‌دهد، به‌کارگیری گفت‌وگو در کلاس درس، در عمل تعاملی دوسویه و چندسویه در جهت رشد و توانمندی دانش‌آموزان ایجاد می‌کند. شرایط یادگیری از همدیگر و با هم فکر کردن را نیز خلق می‌کند.

ناامید نبودم، بی توجهی بچه‌ها ترکش‌های نبود ذوق و شوق یادگیری و نداشتن ارتباط خوب با درس ریاضی را تداعی کرد. درماندگی و اضطراب را در چشمانشان می‌دیدم؛ شاید جنگ و تقابل کهنه معلم و شاگرد در ذهنشان بود!

کمی درنگ و تأمل کردم. برخورد من تأثیر زیادی روی ارتباط من با دانش‌آموزانم داشت.

برای من ارتباط خوب در کلاس عنصر کلیدی آموزش بود. رو کردم به آن‌ها گفتم، هر کدام از شما بیاید عدد ۱۳ را جور دیگری روی تخته بنویسد، می‌تواند برود سر جایش بنشیند. از رضا شروع کردم. آمد و ۱۳ را به انگلیسی نوشت. لذت یک موفقیت کوچک را تجربه کرد. نوبت حسین بود. عدد ۱۳ را به فارسی نوشت، رفت و نشست. نوبت علی بود. آمد جلو، کمی مکث کرد و با ناراحتی گفت، دیگر نمی‌شود. با لحن تند و مطمئن یک بار دیگر با جدیت حرفش را تکرار کرد.

از لحنش خوشم نیامد. برای پیش بردن نقشه خود، به آرامش نیاز داشتم. به روی خودم نیاوردم! نگاهی به بچه‌های کنار تخته و بچه‌های دیگر کردم. به نظر می‌آمد همه با علی موافق هستند. سکوت سنگینی بر کلاس حاکم شد. شروع کردم به قدم زدن در کلاس. گفتم یک مسئله و یک چالش. بچه‌ها، فکر کنید. باید ۱۳ را یک جور دیگر بنویسید تا بروید بنشینید.

ناگهان آرمین از انتهای جمعیت دست بلند کرد و گفت، من می‌توانم! جمعیت را کنار زد و آمد کنار تخته و نوشت ۱۲+۱، مثل اینکه جرقه‌ای زده شده بود، لوله‌ای در بچه‌ها ایجاد شد. برای پاسخ دادن بی‌تابی می‌کردند. یکی آمد نوشت ۱-۷\*۲ و همین‌طور بچه‌های دیگر. خوش حالی و احساس موفقیت را در چشمانشان می‌دیدم. بچه‌ها به ترتیب سر جای خود نشستند. از علی هم خواستم سر جای خود بنشیند.

نگاهی پیروزمندانه به همه آن‌ها انداختم. سرخوشی و رضایت در کلاس موج می‌زد. خودم هم همراه بچه‌ها شور و شعف را مزه می‌کردم! در بازنگری و ارزیابی، از آن‌ها پرسیدم بچه‌ها از این مسئله و اتفاق کلاس چه احساسی دارید و چه چیزی یاد گرفتید؟ بچه‌ها پاسخ‌های خود را دادند. نوبت به علی رسید که اصرار می‌کرد دیگر نمی‌شود جور دیگری نوشت. گفت، یاد گرفتم زود قضاوت نکنم و بیشتر فکر کنم.

این یک پیروزی برای همه بود. به نوعی با کمک هم، با هم یاد گرفتیم و به یک ایده مهم رسیدیم که زود قضاوت نکنیم و بیشتر فکر کنیم. این نتیجه، دستاوردی فراتر از برنامه‌های درسی و کلاس درس در برداشت. امکانات درونی دانش‌آموزان و تجربه‌های کلاسی، به‌طور مستقیم به زندگی وصل می‌شدند. یادگیری عمیق و توأم با معنا در ذهن آن‌ها ساخته می‌شد و ساخت ذهنی قبلی آن‌ها را تغییر می‌داد، چرا که هر جا معنا حاصل شود، آموزش حاصل شده است (لیپمن، ۱۳۹۵: ۱۵).

زود نتیجه‌نگیریم و بیشتر فکر کنیم. ■

## منابع

۱. اصول و مبانی دیالوگ روش‌شناخت و آموزش (۱۳۹۴)، دکتر محمدرضا نیستانی. فصل پانزدهم. تهران. آموخته.
۲. فلسفه در کلاس درس (۱۳۹۵). لیپمن، متیو. شارپ، آن مارگارت. اسکانیان، فردریک اس، ترجمه محمد زهیر باقری نوع‌پرست. تهران. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.